

دکتر پری فیلیپس، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی جلسه ۲ - منطقه هیل کانتری

من دکتر پری فیلیپس هستم، در مورد جغرافیای تاریخی اسرائیل، سخنرانی شماره دو، سرزمین تپه‌ها. سلام، من پری فیلیپس هستم. ما به بحث خود در مورد سرزمین اسرائیل ادامه می‌دهیم.

امروز، می‌خواهیم درباره عرصه مرکزی، که همان سرزمین تپه‌ای اسرائیل است، صحبت کنیم. می‌خواهیم کمی از آنچه دفعه قبل انجام دادیم را مرور کنیم، درباره اسرائیل به عنوان سرزمینی بینابین صحبت کردیم. و به یاد داشته باشید که سرزمینی بین دریای مدیترانه در غرب و صحرای بزرگ عربستان در شرق است.

و این الگوهای آب و هوایی جالبی را که ما در مورد آنها بحث کردیم، مطرح کرد، اما همچنین سرزمینی است که بین جمعیت‌های بزرگ در شمال و جمعیت‌های جنوب قرار دارد. در اینجا، در بین‌النهرین، جایی که امپراتوری‌های بین‌المللی ظهور کردند و آنها بر اسرائیل فشار آوردند، و مصر نیز بر اسرائیل فشار آورد. بنابراین، به این ترتیب، اسرائیل سرزمینی بین این دو است.

این نوعی وضعیت کلی قوسی و فراگیر است که ما در اسرائیل داریم. کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که نگاهی به مناطق توپوگرافی اسرائیل بیندازیم و سپس بر منطقه مرکزی تمرکز خواهیم کرد. اول از همه، ما دشت ساحلی را داریم و دشت ساحلی از دشت فلسطین در جنوب، دشت شارون در شمال و سپس دشت عکو که در شمال قرار دارد، تشکیل شده است.

این اولین منطقه توپوگرافی است. منطقه توپوگرافی دوم، که چیزی است که امروز روی آن تمرکز خواهیم کرد، رشته کوه مرکزی است که در امتداد این منطقه صورتی رنگ که مانند یک ستون فقرات مرکزی از سرزمین اسرائیل بالا می‌رود، امتداد دارد. سپس دره ریفت را داریم، این فرورفتگی عمیق که درست از سرزمین اسرائیل عبور می‌کند و در واقع از ترکیه شروع می‌شود و تا پایین‌ترین نقطه زمین، یعنی دریای مرده، ادامه می‌یابد و سپس از طریق دریای سرخ و در نهایت حتی به آفریقا، از طریق کنیا و تانزانیا ادامه می‌یابد.

در شرق، کوه‌های ماوراء اردن را داریم که رشته‌کوهی مرتفع در شرق دره ریفت است. همانطور که دفعه قبل اشاره کردیم، بارانی که بر کوه‌های ماوراء اردن می‌بارد، آن منطقه را از نظر کشاورزی نسبتاً غنی می‌کند. و در نهایت، کویر شرقی را داریم و اینها پنج منطقه توپوگرافی هستند که داریم.

و چند نام دیگر. سپس-اردن برای توصیف منطقه‌ای در غرب دره اردن استفاده می‌شود و ترانس-اردن به منطقه‌ای در شرق دره اردن گفته می‌شود. بیایید نگاهی به نقشه‌های این منطقه کوهستانی در متن بیندازیم.

بخشید، اورشلیم هست، به خوبی مشخص شده. و منطقه کوهستانی یهودا در جنوب است، که شهر اصلی آن حبرون است. در شمال، منطقه کوهستانی افرایم را دارید، و ما کمی بیشتر در مورد آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد، صحبت خواهیم کرد.

و در شمال آنجا، تپه‌های منسی را داریم. و سپس درست بین تپه‌های یهودا و تپه‌های افرایم، بنیامین را داریم. و من آن را فلات مرکزی بنیامین می‌نامم، به دلایلی که خواهیم دید.

این منطقه کمی مسطح‌تر و کمی پایین‌تر از منطقه تپه‌ای جنوب و منطقه تپه‌ای شمال است، و خواهیم دید که چرا این منطقه در تاریخ اسرائیل بسیار استراتژیک است. بیایید نگاهی به برخی از ویژگی‌های توپوگرافی

منطقه تپه‌ای بیندازیم. اول از همه، از نظر زمین‌شناسی، از چیزی تشکیل شده است که ما آن را سنگ آهک سخت می‌نامیم.

. حالا، هر نوع سنگ آهکی، اگر کسی تکه‌ای از آن را از سرتان پرت کند، فکر می‌کنید خیلی سخت خواهد بود. اما سنگ آهک در دسته‌های مختلفی وجود دارد، و نوع سنگ آهکی که منطقه تپه‌ای را تشکیل می‌دهد، سنگ آهک بسیار سختی است. به راحتی برخی سنگ‌های دیگر فرسایش نمی‌یابد، اما وقتی فرسایش می‌یابد، به خاک قرمز زیبایی تبدیل می‌شود و این خاک بسیار غنی است.

نکته دیگری که در مورد منطقه تپه‌ای که از این سنگ آهک سخت تشکیل شده است، متوجه می‌شویم این است که در این منطقه چشمه‌های زیادی داریم. در دره‌ها، آب، یعنی آب‌های زیرزمینی، می‌تواند به صورت چشمه بیرون بیاید. و ما در مورد این موضوع در تثنیه فصل ۸ و در تثنیه فصل ۱۱ می‌خوانیم.

، ما به آن آیات نمی‌پردازیم، اما آن آیات کیفیت زمین را توصیف می‌کنند، جایی که به این چیزها، خاک خوب دره‌ها و چشمه‌ها، و توانایی استخراج مس از خاک و استخراج آهن از سنگ‌ها، نیز اشاره شده است. از نظر توپوگرافی، همانطور که اشاره کردم، ما پشته‌ها، دره‌های بسیار عمیق و تراس‌بندی طبیعی داریم. من به زودی تصویری از آن و چگونگی ارتباط آن با کشاورزی زمین را به شما نشان خواهم داد.

سفر آسان نیست زیرا دره‌ها بسیار عمیق هستند، بنابراین کسی در دره‌ها سفر نمی‌کند زیرا آنها بسیار باریک و بسیار عمیق هستند. از طرف دیگر، کسی سعی نمی‌کند از دره‌ها عبور کند، پس چگونه کسی در منطقه تپه‌ای سفر می‌کند؟ او در امتداد پشته‌ها، پشته‌های پیوسته از یک مکان به مکان دیگر سفر می‌کند. و سپس کشاورزی.

کشاورزی در تراس‌بندی تپه‌های این منطقه، تراس‌بندی این سنگ آهک سخت، انجام می‌شود و آنچه در درجه اول می‌بینید درختان زیتون و تاک است. اما در این بین، می‌توانید چیزهای دیگری مانند گرانیات نخل را نیز پرورش دهید و گاهی اوقات مقداری گندم و جو نیز کاشته می‌شود. از نظر فرهنگی، این مناطق به دلیل دشواری سفر، منزوی‌تر هستند.

خب، این یک مثال از چیزی است که در موردش در مورد منطقه تپه‌ای صحبت می‌کنم. متوجه می‌شوید که این شبیه پله است، و این تراس‌بندی طبیعی است. این روشی است که سنگ آهک سخت در منطقه تپه‌ای تجزیه می‌شود.

یادتان هست اولین باری که در دهه ۷۰ میلادی به اسرائیل رفتیم، این را دیدیم که از اورشلیم بالا می‌آمد و از خودمان می‌پرسیدیم اینجا چه خبر است؟ انگار یک غول پله‌هایی روی تپه تراشیده بود. تصور کنید که چطور از این پله‌ها بالا و پایین می‌پرید. در واقع، این یک پدیده طبیعی است که در سنگ آهک سخت رخ می‌دهد.

، اگر با دقت به اینجا نگاه کنید، چند چیز می‌بینید. اول از همه، خاک قرمز کاملاً مشخص است. این درختان درختان زیتون هستند و متوجه می‌شوید که تراس‌ها تا حدودی بهبود یافته‌اند. کاری که کشاورز انجام می‌دهد. به شرح زیر است.

شما باید مقداری از سنگ‌ها را از خاک بیرون بیاورید، و سپس سنگ‌ها برداشته شده و در لبه‌های تراس‌ها قرار داده می‌شوند، و یک دیوار کوچک در آنجا ساخته می‌شود تا خاک را نگه دارد. بنابراین شما پدیده طبیعی تراس‌بندی را دارید که فقط از نظر زمین‌شناسی رخ می‌دهد، اما همچنین کشاورزی را دارید که با کنار هم قرار دادن سنگ‌ها به عنوان دیواری که خاک را نگه می‌دارد، آن را تقویت می‌کند، که روی آن می‌تواند تاکستان‌ها و

درختان زیتون خود را بکارند. توجه کنید که جاده نیز در امتداد خط الراس قرار دارد، و اگر خیلی با دقت نگاه کنید، خواهید دید که یک روستای کوچک نیز در بالای خط الراس ظاهر می‌شود.

و چرا بالای تپه؟ چون آنجا جایی است که ارتباط کمی آسان‌تر انجام می‌شود. خوب، منطقه تپه‌های یهودا، می‌خواهیم نگاهی به برخی ارتباطات تاریخی بیندازیم. اول از همه، منطقه تپه‌های یهودا، شهر اصلی آنجا هبرون است.

می‌گویید، صبر کنید، اورشلیم چطور؟ کمی بعد به اورشلیم اشاره خواهیم کرد، اما اورشلیم در واقع در سرزمین بنیامین است. اما شهر اصلی، حبرون در منطقه کوهستانی یهودا است. جایی است که سه بازدیدکننده ابراهیم از آنجا بودند، یا وقتی او آنجا بود، از آنجا بازدید کردند.

آنجا جایی بود که او زمین خود را برای دفن همسرش، سارا، خریداری کرد. آنجا شهری پناهگاه بود و اولین پایتخت پادشاه داوود بود. و به دنبال آن، آبشالوم، در طول کودتای خود، برای تاجگذاری به عنوان پادشاه به حبرون رفت تا برگردد و پادشاهی را از پدرش بگیرد.

البته، شهر مهم دیگر بیت لحم است. جایی که داوود در آن متولد شد. جایی که او توسط سموئیل به عنوان پادشاه مسح شد.

اما همچنین جایی است که عیسی، پادشاه بزرگتر از تبار داوود، به دنیا آمد. و مکان دیگری که می‌خواهیم به آن اشاره کنم، نکوا است. این مهم است زیرا در حاشیه بیابان قرار دارد.

این شهر زادگاه عاموس است، اما همچنین منطقه‌ای است که با معون و کرمل مرتبط است، جایی که داوود برای مدت زیادی از دست شائول فرار کرد. بنابراین با در نظر گرفتن این شهرها، بیایید نگاهی به موقعیت فعلی آنها بیندازیم. می‌توانید اورشلیم را از اینجا در شمال ببینید.

و باز هم، درست در مرز یهودا است، اما در واقع در منطقه قبیله‌ای بنیامین قرار دارد. بیت لحم، حدود پنج مایل به سمت جنوب، و حبرون حدود ۱۰ مایل به سمت جنوب آنجاست.

و بعد شهر دیگری که من به آن اشاره نکردم، اما از آنجایی که به عنوان جنوبی‌ترین شهر اسرائیل استفاده می‌شود، وقتی در مورد اسرائیل از دان تا بئر شبع صحبت می‌کنیم، بئر شبع حدود ۲۰ مایل در جنوب هبرون قرار دارد. و مناطق دیگری که من به آنها اشاره کردم، زیف، کرمل و مائون، در آنجا هستند. و بخش زیادی از تاریخ در آنجا رخ می‌دهد.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، آنجا جایی است که عاموس از آنجا آمده بود، اما همچنین جایی است که داوود از دست شائول فرار می‌کرد. بیایید نگاهی به برخی از مناطق دیگر بیندازیم. منطقه کوهستانی بنیامین

همانطور که خواهیم دید، این یک چهارراه بسیار مهم است. منطقه کوهستانی بنیامین. و اول از همه، بسیار استراتژیک است.

این یک منطقه فلات است. کمی مسطح‌تر از تپه‌های اطراف است. و نکته دیگری که باید در نظر داشت این است که بنیامین کمی پایین‌تر از منطقه کوهستانی افرایم، و منسی در شمال، و یهودا در جنوب قرار دارد.

در نتیجه این نقطه زینی خواهیم دید این است که به معقول‌ترین راه برای حرکت به شرق و غرب از منطقه ماوراء اردن در امتداد دره اردن و سپس از طریق بنیامین و به سمت ساحل تبدیل می‌شود. بعداً کمی دقیق‌تر به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما اینجا، مسیر خط الراس، شمال و جنوب، به مسیرهای اصلی اتصال شرق به غرب می‌رسد، و آنها درست در فلات مرکزی بنیامین به هم می‌رسند. بنابراین این مسیر اصلی شمال به جنوب شماس است که درست در امتداد ستون فقرات مرکزی، درست در امتداد این خط الراس کوه‌هایی که بخشی از بخش مرکزی اسرائیل هستند، امتداد دارد. و این مسیر شرق به غرب شماس است.

و این چهارراه درست در بنیامین، کمی در شمال اورشلیم قرار دارد. شهرهای مهم بنیامین. اریحا

اریحا جایی است که بنی اسرائیل پس از ۴۰ سال سرگردانی برای اولین بار به سرزمین اسرائیل وارد شدند. و اریحا در پشتی اورشلیم محسوب می‌شود. به یاد داشته باشید که عیسی در آخرین صعود خود به اورشلیم، از اریحا شروع کرد و به اورشلیم رفت.

بنابراین اریحا در پشتی اورشلیم است. بیت‌ئیل در شمال و مرز با افرایم قرار دارد. بنیامین، شهر مهم بیت‌ئیل در ارتباط با تاریخ پدران، چه در ورود ابراهیم به سرزمین اسرائیل و چه بعدها در ورود یعقوب به این سرزمین.

جبع و مخماس چند نکته در مورد آنها گفته شده است. نبرد مهمی در آنجا بین شائول و فلسطینیان رخ داد. کمی در مورد آن بگویید.

شهرهای اصلی درست در مرکز بنیامین عبارتند از جبعه، رامه و میتزه. جبعه جایی بود که کاخ شائول در آن قرار داشت. این شهر زادگاه او بود.

خب، من از کلمه کاخ در گیومه استفاده کردم چون خیلی پیچیده نبود. جبعون، شهر بزرگ جبعونی‌ها، به همراه بیروت، کفیره و کیریات یریم. یادتان باشد، یوشع نبرد بزرگی را برای محافظت از جبعون در برابر دولت‌شهرهای اطراف که به آن حمله کرده بودند، انجام داد.

و از روی نقشه خواهیم دید که چرا این مکان بسیار مهم است. جازر دروازه ورودی اورشلیم از غرب است. و در نهایت، البته، اورشلیم را به عنوان بخشی از این مجموعه شهرها در منطقه مرکزی بنیامین داریم.

خب، اجازه دهید فقط چند نکته در مورد تاریخ بگویم. برخی از وقایع تاریخی که در این منطقه رخ داده است. من به فتح اشاره کردم.

شهرهای جبعونیان و موقعیت مکانی آنها. این موضوع در یوشع، فصل‌های ۹ و ۱۰ آمده است. و وقتی به نقشه نگاه کنیم، خواهیم دید که چرا پادشاه اورشلیم اینقدر نگران افتادن این شهرها به دست فاتحان بود.

این همان بنی اسرائیلی است که تحت فرمان یوشع آمده بودند. گذار به سلطنت. سموئیل را در منطقه مرکزی بنیامین می‌یابیم.

زادگاه او رامه بود. شهری بسیار بسیار مهم از نظر استراتژیک، اما همچنین زادگاه سموئیل، زیرا او قوم اسرائیل را قبل از آمدن داوود پادشاه داوری می‌کرد. و قبل از آن، شائول پادشاه

من اشاره کردم که زادگاه شائول در جبعه بود، که گاهی اوقات جبعه شائول نامیده می‌شود. می‌دانم که گیج‌کننده است زیرا شهری به نام جبعه وجود دارد. شهری به نام جبعه وجود دارد.

یکی هست به اسم گِبا. و درست ننگه داشتن همه‌شان سخت است. اما همه‌شان از یک کلمه ریشه عبری گرفته شده‌اند که به معنی تپه است، چون همه‌شان روی تپه هستند.

یونان و زره‌پوشش بخشی از توپوگرافی جبع و مخماس هستند. و ما همچنین پس از تقسیم پادشاهی در این منطقه، یک میدان نبرد مداوم به نام رامه در بنیامین داریم که محل تلاقی مسیرهای اصلی شمال-جنوب و شرق-غرب است. خب، بس است دیگر.

بباید سعی کنیم ببینیم که چگونه همه این چیزها به هم مرتبط هستند. فلات مرکزی بنیامین. منطقه قبیله‌ای بنیامین را همانطور که در اینجا مشخص شده است، ببینید.

اورشلیم در جنوب. و من چند شهر دیگر را هم به آنجا اضافه کرده‌ام. جبعه شائول که درست در شمال است، و رامه که کمی در شمال آنجاست.

اگر مسافت را بخواهید، جبعه حدود سه مایل از اورشلیم فاصله دارد، شاید هم دو و نیم مایل از اورشلیم خب، این مقیاس چیزی را که ما اینجا در موردش صحبت می‌کنیم به شما می‌دهد. اینجا فلات مرکزی بنیامین است.

«تصویری از آن را به شما نشان می‌دهم. منطقه‌ای مسطح‌تر است و از شهرهای «میتروا» در شمال، «جبع در شرق، «جبعه» در جنوب و «جبعون» در غرب تشکیل شده است. یکی از شهرهای بزرگ جبعونیان

، و این منطقه به دلیل تقاطعی که درست در مرکز بنیامین به هم می‌رسند، بسیار مورد مناقشه است. در غرب همانطور که اینجا توضیح دادم، شهرهای جبعونی را دارید که قبلاً به آنها اشاره کردم. و بنابراین، گروهی از مردم در بخش غربی بنیامین مستقر شده‌اند.

و البته، آنها حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد اینکه چه کسی از آن منطقه خاص، چه از شرق و چه از غرب، رفت و آمد می‌کند، خواهند داشت. دوم پادشاهان، فصل ۱۵، آیات ۱۶ تا ۲۲، که در دوم تواریخ فصل ۱۶ تکرار شده است. ما در مورد پادشاه شمالی، بثیا، می‌خوانیم که فرود آمد و شهر رامه را مستحکم کرد.

حالا شما می‌گویید، خب که چی؟ خب، این یه خب که چی. متوجه می‌شوید که رامه درست در امتداد مسیر شمال-جنوب و درست در امتداد مسیر شرق-غرب قرار دارد. آنجا جایی است که آنها به هم می‌رسند.

و هنگامی که این پادشاه شمالی فرود آمد و آن منطقه را در برابر آسا، که پادشاه جنوبی بود، تقویت کرد، آسا، پادشاه در اورشلیم متوجه شد که تمام راه‌های شمالی او مسدود شده است. بنابراین به جای جنگ با بثیا کاری که او انجام داد این بود که یادداشتی برای یکی از پادشاهان آرامی، پادشاهان سوریه، فرستاد تا از شمال فرود بیاید و به بثیا حمله کند. بثیا در نهایت مجبور شد این منطقه از رامه را رها کند.

و آسا سپس استحکامات رامه را گرفت و آنها را به میتزه منتقل کرد و بدین ترتیب این نقطه بسیار حساس در رامه را باز کرد. تا اورشلیم بتواند جریان ترافیکی مناسبی را که او به دنبالش بود، داشته باشد. خب، اینجا فلات مرکزی بنیامین است و این جبعون است که درست در مرکز این شهر بزرگ قرار دارد.

این یکی از بهترین عکس‌های عمرم بود که یک روز صبح در منطقه‌ای مرتفع درست کنار گیبئون گرفتیم، و شبم در دره بود، مه در دره بود، و توانستیم این عکس را بگیریم. با خودم کلنجار رفتم که آیا الان عکس بگیرم یا بروم جای دیگری را ببینم و برگردم. خوشحالم که همان موقع عکس را گرفتم، چون وقتی برگشتم، همه آن خاطرات از بین رفته بود.

با طلوع خورشید همه چیز از بین رفت. اما می‌بینید، با اینکه اینجا تپه‌هایی وجود دارد، این منطقه واقعاً نسبتاً مسطح است و در مقایسه با سایر مناطق پلکانی که در جاهای دیگر این منطقه تپه‌ای داریم، عبور از آن بسیار آسان است. کمی بیشتر در مورد گیبئون

یک استخر بزرگ در جبعون وجود دارد، شاید همان استخر بزرگی که در دوم سموئیل، فصل ۲، جایی که نبرد بین نیروهای شائول و نیروهای داوود در آن نقطه رخ می‌دهد، به آن اشاره شده است. همچنین یک سیستم آبرسانی جالب وجود دارد که توسط پله‌های سمت راست نشان داده شده است. ما اوقات خوشی را با بردن گروه‌ها به جبعون گذراندیم.

متأسفانه، وضعیت سیاسی به گونه‌ای است که در چند سال گذشته، ما نتوانسته‌ایم مردم را به آنجا ببریم، اما از نظر تاریخی و باستان‌شناسی مکانی فوق‌العاده است. خب، آن بنجامین غربی بود. اینجا بنجامین شرقی است.

فکر می‌کنم از روی توپوگرافی می‌توانید ببینید که عبور از این منطقه بسیار دشوار است. ما به سمت شرق نگاه می‌کنیم. اینجا وادی مکماس است، و اگر به بیرون نگاه کنید، درست آنجا، اگر خیلی با دقت نگاه کنید، دریای مرده است، و اگر کمی با دقت بیشتر نگاه کنید، می‌توانید طرح کلی ماوراء اردن را ببینید.

بنابراین شما درست در لبه‌ی چیزی هستید که ما آن را بیابان یهودیه می‌نامیم. می‌توانید ببینید که این یک منطقه‌ی بسیار بسیار ناهموار است. با این حال، آنچه در کتاب مقدس می‌خوانیم داستانی است که در آن فلسطینیان بالای این کوه هستند و بنی‌اسرائیل اینجا هستند.

فلسطینی‌ها در میکماس، اینجا هستند. بنی‌اسرائیل اینجا هستند، و ما آن داستان بسیار دلخراش یوناتان و سلاحدارش را در اول سموئیل، فصل ۱۴ داریم، و کاری که یوناتان و سلاحدارش می‌توانند انجام دهند این است که از امتداد تپه ناهمواری که به سمت میکماس داریم بالا بروند. آنها می‌توانند یک قلعه فلسطینی را در هم بشکنند، و در نتیجه شجاعت او، نبرد بزرگی پیروز می‌شود.

خب، این تپه‌های بنیامین است. بیابید چند نکته در مورد تپه‌های افرایم و برخی از اتفاقات مهمی که در آنجا در حال رخ دادن است، بگوییم. اول از همه، ما اورشلیم را به عنوان میخ خود علامت‌گذاری می‌کنیم، و باز هم، برای اینکه تصویری از مقیاس اینجا داشته باشیم، از اورشلیم تا جبعون، احتمالاً حدود یازده کیلومتر یا بیشتر طول دارد.

با توپوگرافی ناهموار مانند یهودا. هر آنچه که در مورد یهودا می‌توانم بگویم، در مورد افرایم هم می‌توانم بگویم، جز اینکه بگویم کوه‌های آنجا در واقع کمی بلندتر از کوه‌های بنیامین هستند. در بنیامین، ممکن است به حدود ۲۸۰۰ فوت برسیم.

در افرایم، می‌توانیم تا حدود ۳۰۰۰ فوت بالا برویم، و اگر به سمت جنوب به سمت حبرون برویم، دوباره حدود ۳۰۰۰ فوت بالاتر خواهیم بود. بنابراین، همانطور که گفتم، نقطه زین اسب را در بنیامین داریم. یکی از شهرهای بزرگ بنیامین، شیلوه است که در قسمت شرقی واقع شده است. شیلوه به این دلیل اهمیت پیدا کرد که اندکی پس از ورود بنی‌اسرائیل به اسرائیل، خیمه در آنجا برپا شد.

در اینجا تصویری از شیلوه و برخی از کاوش‌هایی که در اینجا در شیلوه انجام شده است، آمده است. این یک سکونتگاه جدید اسرائیلی در شیلوه است، منطقه‌ای بسیار مهم از نظر مذهبی. به یاد داشته باشید که خیمه مقدس در آنجا قرار داشت و در طول نبرد که بنی‌اسرائیل با فلسطینیان داشتند، خیمه از آنجا به سمت ساحل در نزدیکی منطقه‌ای به نام افیق برده شد و در آنجا گم شد، اگرچه در نهایت فلسطینیان درس خود را آموختند و تابوت به بیت‌شمس در قسمت جنوبی یهودا، در غرب نزدیک ساحل بازگردانده شد.

چیز دیگری که در مناطق کوهستانی پیدا می‌کنید، برج‌های دیده‌بانی است، و برای اینکه تصویری از پیچیدگی این برج دیده‌بانی خاص داشته باشید، باید بگویم که یک نفر همین بالا در برج دیده‌بانی است. من اشاره کردم که باید با سنگ‌هایی که از خاک بیرون می‌آورید کاری انجام دهید. یک کاری که می‌توانید انجام دهید این است که در انتهای تراس‌ها دیوار بسازید تا خاک را حفظ کنید و بتوانید تاک‌ها و درختان خود را بکارید.

کار دیگری که انجام می‌دهید ساخت یک برج دیده‌بانی است. چرا برج دیده‌بانی می‌خواهید؟ خوب، زمانی که محصولات خود را برداشت می‌کنید، می‌خواهید بتوانید از آنها محافظت کنید، و بنابراین برج دیده‌بانی نه تنها به عنوان یک برج دیده‌بانی، بلکه به نوعی یک برج خواب نیز عمل می‌کند، زیرا در طول فصل برداشت، مردم در واقع برای محافظت از محصولات خود، شب را در آنجا می‌خوابند. منطقه کوهستانی منسی درست در شمال آنجا قرار دارد و برخی از ویژگی‌های اصلی منطقه کوهستانی منسی در آنجا وجود دارد.

اول از همه، ما تپه‌های عیبال و جرزیم، یا بهتر است بگویم کوه عیبال و کوه جرزیم را داریم که درست در کنار مکانی به نام شکیم، شهری بسیار مهم، قرار دارند. شکیم، باز هم، برای تاریخ پدران قوم مهم است. وقتی ابراهیم به آن سرزمین آمد، در شکیم اقامت گزید.

بعدها، وقتی یعقوب به سرزمین آمد، پس از مدتی اقامت در بین‌النهرین، دوباره به آنجا بازگشت و مدتی در شکیم اقامت گزید. چند نکته دیگر در مورد شکیم خواهیم گفت، اما شکیم درست بین کوه عیبال و کوه جرزیم قرار دارد. همچنین، این محل اتصال شکیم به ساحل است که به آن نحل شکیم می‌گویند.

نحل کلمه عبری برای رودخانه است، اما به طور کلی، بیشتر شبیه یک دره است، و همانطور که گفتیم، از شکیم سرچشمه می‌گیرد و به سمت ساحل ادامه می‌یابد. و این یک ارتباط اصلی بین شکیم و غرب است. سامره منطقه مهمی است.

معلوم شد که در نهایت، پس از تقسیم پادشاهی، پایتخت، آخرین پایتخت پادشاهی شمالی بود. و سامره تپه‌ای دورافتاده بود که توسط اخاب خریداری شد و او توانست کاخ خود را در آنجا بسازد. ببخشید، این عمری، پدرش بود که آن را خرید.

و در نهایت، ما دشت سوخار را داریم، و پایتخت‌های شمال را داریم. اینجا دشت سوخار است. این مهم است.

این منطقه کمی در شمال شکیم است. این همان منطقه‌ای است که عیسی با آن خانم در کنار چاه ملاقات کرد. همه این اتفاقات در منسی رخ می‌دهد.

و بعد به پایتخت‌های شمال اشاره کردم. از شکیم نام بردم. آن اولین پایتخت بود.

وقتی پادشاهی در زمان رحبعام تقسیم شد و یربعام سپس پادشاهی شمالی را به دست گرفت، کاری که او انجام داد این بود که برخلاف اورشلیم که پایتخت جنوب بود، پایتخت خود را در شمال قرار داد. و البته، او

می‌خواست آن را در شهری قرار دهد که تاریخ مشخصی با آن مرتبط باشد، بنابراین آن را در شکیم قرار داد و این اولین پایتخت شمالی شد. با این حال، شکیم به راحتی قابل محافظت نیست.

این نحل شکیم، این ارتباط با غرب، نه تنها تجارت را به ارمغان می‌آورد، بلکه می‌تواند ارتش‌ها را نیز به همراه داشته باشد. و در نتیجه آن، کمی بعد، کاری که یربعام انجام داد رفتن به تیرصه و پایتخت بعدی‌اش بود که اینجا کمی در شمال شکیم قرار دارد. کمی منزوی‌تر، کمی محافظت‌شده‌تر.

اما بعدها، وقتی عمری و اخاب به صحنه می‌آیند، پایتختی می‌خواهند که واقعاً پایتخت باشد. آنها چیزی می‌خواهند که قوی و مستحکم باشد و در عین حال ارتباط خوبی با غرب، با آنچه در شمال می‌گذرد، به ویژه ارتباط آنها با کل پادشاهی فنیقی‌ها داشته باشد. و بنابراین آنچه در نهایت اتفاق می‌افتد این است که سامره، شهری بسیار مهم، به سومین پایتخت و آخرین پایتخت پادشاهی شمالی تبدیل می‌شود.

آن پایتخت در سال ۷۲۲ پیش از میلاد توسط آشوریان ویران شد. بنابراین، باز هم، صرفاً به عنوان خلاصه این یک منطقه بسیار بسیار مهم است. اول از همه، کوه عیبال و کوه جرزیم را دارید که شکیم در بین آنها قرار دارد و تاریخ مرتبط با آنها.

نکته دیگری که می‌خواهم در مورد این کوه‌ها ذکر کنم این است که پس از تصرف سرزمین توسط یوشع و بنی‌اسرائیل، در این منطقه در شکیم، بین کوه عیبال و کوه جرزیم، بود که برکات و نفرین‌ها خوانده می‌شد. قرار بود آنها هنگام ورود به سرزمین این کار را انجام دهند. به یوشع دستور داده شده بود که این کار را انجام دهد و او این کار را در کوه جرزیم و کوه عیبال انجام داد، با کسانی که در کوه عیبال برکات می‌دادند و کسانی که در کوه عیبال نفرین می‌کردند.

بنابراین یک منطقه بسیار مهم در کنار شکیم، کوهستان است. همچنین پایتخت‌ها، تیرزا و سامره، و همچنین عیسی در فصل ۴ یوحنا و تعامل او با زن در کنار چاه، آن هم در آن مکان خاص، را داریم. بنابراین، ما اینجا در تپه‌های منسی، منطقه‌ای بسیار شلوغ داریم.

نکات کلیدی تاریخ، فقط به عنوان یک مرور کلی، ابراهیم به شکیم می‌رسد، این فصل ۱۲ پیدایش است، جایی که او اقامت خود را در سرزمینی که خداوند به او وعده داده است آغاز می‌کند. یوشع مردم را در شکیم جمع می‌کند، یوشع ۸ و یوشع ۲۴، برای تجدید عهد. یوشع ۲۴، این سخنرانی بزرگی است که یوشع ایراد می‌کند وقتی می‌گوید، من و خاندانم، از خداوند پیروی خواهیم کرد.

و او به مردم فرمان می‌دهد و آنها را تشویق می‌کند که خدایان بیگانه‌ای را که دارند کنار بگذارند و از خداوند پیروی کنند. همه اینها در شکیم اتفاق می‌افتد. من به انتقال پایتخت از شکیم به تیرزا و سپس به سامره اشاره کردم.

این کتاب اول پادشاهان، فصل‌های ۱۴ تا ۱۶ است. تأثیر فنیقی‌ها در زمان اخاب و ایزابل در آنجا احساس می‌شود. همسر، الین فیلیپس، سخنرانی‌ای ارائه خواهد داد که به طور کامل‌تری به آن ارتباط خاص می‌پردازد.

و در دوران هلنیستی و رومی، من از عیسی و زن سامری در کنار چاه نام بردم. همچنین باید اشاره کنم که در دوران رومی‌ها در منطقه سامره، که در آن زمان سباستیا نامیده می‌شد، هیروودیس کبیر معبد عظیمی برای تیرپوس، ولی نعمت خود، ساخت. خب، من به اندازه کافی از شکیم، جرزیم و عیبال نام بردم.

بگذارید اینجا کمی تضاد به شما نشان دهم، نه فقط برای اینکه به شما نشان دهم بین کوه‌ها چه می‌گذرد. شما شکیم را اینجا دارید. البته، در این نقطه درست در وسط این شهر مدرن به نام نابلس قرار دارد.

اما ما به سمت غرب نگاه می‌کنیم، و تقریباً در دشت سوخار هستیم. و ما به سمت غرب نگاه می‌کنیم، و می‌بینید که این گذرگاه درست به سمت ساحل است. و این همان نهال شکیم است که قبلاً به آن اشاره کردم.

کوه جرزیم، اینجا، کوه عیبال، بخشی از آن را می‌توانید ببینید. و این وضعیت در پاییز است. توجه کنید که محصولات برداشت شده‌اند و گوسفندان برای خوردن آنچه باقی مانده است، آمده‌اند.

حالا، رابطه‌ی خیلی خوبی بین کشاورز و چوپان وجود دارد. گوسفندان آنجا هستند، از آنچه باقی مانده و مقداری از گاه و گلش می‌خورند. اما گوسفندان اجازه بهار را پرداخت می‌کنند.

و آنها اجازه را به صورت کود پرداخت می‌کنند، که بعداً وقتی کشاورز مزرعه را شخم می‌زند و دوباره در همان سال غلات خود را می‌کارد، برای او بسیار مفید خواهد بود. بنابراین چیزی که شما دارید، این تطابق بسیار خوب بین کشاورز و چوپان است. آنچه باقی می‌ماند برای چوپان مفید است.

و اگر اجازه داشته باشم از این اصطلاح استفاده کنم، آنچه از گوسفندان باقی می‌ماند برای کشاورز مفید است. اما این چیزی است که در پاییز به نظر می‌رسد. این چیزی است که در بهار پس از باران‌های زمستانی به نظر می‌رسد.

عکس خاص، کمی بیشتر از کوه ایبال می‌بینید. باز هم، این مکان باستانی درست همینجا، در میان ساختمان‌ها قرار دارد. می‌توانید گذرگاهی را که به سمت غرب می‌رود، ببینید.

و بعد مزرعه‌ای را می‌بینید که پر از گل و برخی کالاها و سبزیجات در این منطقه است. خب، دشت سوخار، پایین‌تر از ماست، این منطقه مسطح‌تر که اینجا در سمت راست می‌بینید. اگر می‌خواهید بدانید تل شکیم، منظوم از تل، محوطه باستانی شکیم است، اینجا در سمت چپ است.

گذرگاه در سمت چپ آن است. ما به سمت شمال به سمت تیرزه نگاه می‌کنیم، که همانطور که اشاره کردم، تنها چند مایل پایین‌تر از این وادی، به اصطلاح وادی بتا، جایی که تیرزه در آن قرار دارد، قرار دارد. و اگرچه قبلاً به آن اشاره نکرده‌ام، تیرزه ارتباط خوبی با دره اردن و دره فرح دارد.

اما بعداً وقتی الین درباره این منطقه صحبت می‌کند، بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد. با نگاه به شمال از سامره، از تپه سامره، به بقیه منسی، دوباره می‌بینید که بسیار تپه‌ای است. به اندازه مناطق جنوبی ناهموار نیست، اما هنوز هم بسیار تپه‌ای است، هنوز هم باران زیادی می‌بارد، شب‌نم زیادی دارد.

حمل و نقل کمی آسان‌تر از چیزی است که در یهودا پیدا می‌کنید، و واقعاً منطقه‌ای بسیار راحت برای زندگی است. اما یک مشکل وجود دارد. از آنجایی که کمی بازتر از یهودا است، تجارت بیشتری با بقیه جهان و با ملت‌های اطراف دارید، اما برای دشمنان، فتح سامره آسان‌تر از یهودا است.

و ما این را در عهد عتیق می‌بینیم، جایی که پادشاهی شمالی قبل از پادشاهی جنوبی سقوط کرد. البته بخشی از آن معنوی است زیرا پادشاهی جنوبی مدت طولانی‌تری نسبت به پادشاهی شمالی از خداوند پیروی کرد. اما فقط از دیدگاه جغرافیایی و تاریخی، فتح سرزمین سامره بسیار آسان‌تر از فتح سرزمین یهودا است.

عبور از کوه‌های منسی بسیار آسان‌تر از عبور از کوه‌های افرایم و قطعاً یهودا است. خب، همانطور که اشاره کردم، سامره یک منطقه کاخ‌نشین بود. اجازه دهید فقط چند نکته در مورد سامره بگویم و سپس این سخنرانی را به پایان می‌رسانیم.

ما می‌خوانیم که سامره کاخ باشکوهی داشت که توسط اخاب ساخته شده بود. همچنین می‌خوانیم که یکی از ویژگی‌های کاخ، عاج بود. عاج برای تعدادی از اقلام مانند جعبه‌های جواهرات، گوشواره‌ها و غیره استفاده می‌شد.

عاج حتی امروزه در بسیاری از نقاط جهان برای این نوع ساز و برگ‌ها استفاده می‌شود. این منطقه کاخ است. این منطقه به شدت مستحکم بود، اما جالب اینجاست که در باستان‌شناسی، آنها تعدادی از مواردی را یافته‌اند که توسط عاموس ذکر شده است، به عنوان مثال، که پادشاهی شمالی را به دلیل بت‌پرستی محکوم می‌کند.

تعدادی از اقلام کاخ ساخته شده از عاج در این منطقه کاخ پیدا شد. من اشاره کردم که تاریخ تکرار می‌شود. به نوعی، ما نه تنها کاخ، بلکه پرستش بت‌ها را نیز در سامره داشتیم.

و بعدها، در دوران روم، زمانی که هیروود کبیر بر آن سرزمین حکومت می‌کرد، می‌خواست از ولی نعمت بزرگ خود در روم تجلیل کند. بنابراین معبدی در آنجا ساخت و آن را سباسته نامید. سباسته نام یونانی آگوستوس است.

و این معبدی برای آگوستوس است. اینها پله‌هایی هستند که به معبد آگوستوس منتهی می‌شوند. و هیروودیس هرگز اهل کوچک شمردن کارها نبود.

فقط برای اینکه تصویری از بزرگی این معبد به شما بدهم، می‌خواهم روی یکی از پایه ستون‌ها تمرکز کنید. این پایه ستون در واقع وارونه است. اما برای اینکه تصویری از بزرگی این پایه ستون و بزرگی خود معبد به شما بدهم، به یک متر نیاز داریم.

و این متر، همسر من است. و اینجا او در امتداد پایه ستون کشیده شده است. بنابراین، وقتی صحبت از شکوه و جلال می‌شد، هیروودیس می‌دانست چگونه آن را انجام دهد.

در واقع، یوسفوس، مورخ، به ما می‌گوید که معبد سباستین، سباسته، آگوستوس، آنقدر بزرگ بود که در فاصله 30 مایلی در قیصریه، وقتی کشتی‌ها وارد شدند و خورشید در افق غربی پایین بود، می‌توانستند درخشش معبد بزرگی را که هیروود تا دامنه تپه سباسته ساخته بود، ببینند. خوب، در سخنرانی بعدی، از اینجا شروع می‌کنیم و در این مرحله، بحث در مورد تپه‌های اسرائیل را پایان می‌دهم.

این دکتر پری فیلیپس در مورد جغرافیای تاریخی اسرائیل، سخنرانی شماره دو، تپه‌های اسرائیل است.